

بررسی ادراک کودکان ساکن در محلات قدیمی و فرسوده از محله‌ی ایده‌آل؛ مطالعه‌ی موردی: محله‌ی حصارک بالا در کرج

Exploring the Perception of Children Living in Old and Distressed Neighborhoods
about the Ideal Neighborhood;

Case Study: Hesarak'e Bala Neighborhood in Karaj

فائزه بهنامی فرد^۱، ندا بهنامی فرد^۲، بهنام برایتی مشهدی^۳

چکیده

کودکان یکی از مهمترین گروه‌های ساکن در محلات شهری هستند که احساس آن‌ها نسبت به محله، تاثیر زیادی بر رشد فردی و اجتماعی آن‌ها داشته و توجه به خواسته‌های آن‌ها در طراحی و ساماندهی محلات شهری-به‌ویژه محلات قدیمی و فرسوده که کیفیت مناسبی ندارند- از اهمیت و ضرورت قابل توجهی برخوردار است. در این راستا، در پژوهش حاضر، هدف آن است که با استفاده از رویکردی آمیخته و با تمرکز بر محله‌ی حصارک بالا واقع در بافت فرسوده‌ی مصوب شهر کرج، دیدگاه‌های کودکان دبستانی بررسی و ارزیابی شود. در این راستا (۱) میزان علاقه‌ی کودکان به محله (گردآوری داده‌ها به کمک ابزار مصاحبه و تحلیل آن‌ها به صورت کمی و با کمک نرم‌افزار اس.پی.اس.اس.) و همچنین (۲) تفسیر دیدگاه‌های بصری و نوشتاری آن‌ها در ارتباط با محله‌ی ایده‌آل (گردآوری داده‌ها به کمک نقاشی و متن (انشاء) و تحلیل داده‌ها به صورت کیفی و با سازوکارهای توصیفی و تفسیری) مورد بررسی قرار گرفته است. در مجموع ۱۳۴ کودک در بخش اول و ۲۸ کودک در بخش دوم این مطالعه، مشارکت داشته‌اند. یافته‌ها در بخش اول نشان‌دهنده‌ی کم بودن میزان علاقه‌ی کودکان به محله‌ی فعلی خود و ارتباط معنادار این مسئله با جنسیت و سن آن‌ها داشته و در بخش دوم نمایانگر نقش مهم عناصر مختلف طبیعی و مصنوع در تصویر و تجسم آن‌ها از محله‌ی ایده‌آل است.

کلید واژگان: شهر کودک‌مدار، محله‌ی دوستدار کودک، محله، روانشناسی کودک، نقاشی کودکان.

۱. پژوهشگر شهرسازی، گروه پژوهشی برنامه‌ریزی و توسعه‌ی شهری، جهاد دانشگاهی واحد استان البرز، کرج، ایران. (نویسنده‌ی مسئول)، پست الکترونیکی: f_behnami@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد، روانشناسی بالینی کودک و نوجوان، گروه روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی، تهران، ایران. پست الکترونیکی: ndabhnmi@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد، روانشناسی بالینی کودک و نوجوان، گروه روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی، تهران، ایران. پست الکترونیکی: gmail.com@behnambarati333



۱- مقدمه

کودکان بخش مهمی از جمعیت شهروندی و استفاده‌کنندگان از فضای شهری هستند. با این وجود، این حقیقت عمدتاً به سختی در برنامه‌ریزی کلی شهر منعکس شده (Jørgensen, 2004, 1) و حتی در شرایط حاضر که جمعیت جهان و مهاجرت از روستاها به شهرها سالانه در حال افزایش بوده و در بسیاری از شهرهای دنیا بیش از ۵۰٪ جمعیت را افراد زیر ۱۹ سال (کودکان و نوجوانان) تشکیل می‌دهند، نیز به‌ندرت کودکان به‌عنوان یک گروه مدنی مهم در نظر گرفته شده یا به آنها فرصت داده می‌شود تا در روند برنامه‌ریزی مشارکت داشته باشند (Jørgensen, 2004, 2). درحالی‌که این افزایش جمعیت شهری منجر شده که به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، کودکان به‌شدت تحت تأثیر کمبود امکانات کافی (متناسب با جمعیت) قرار گرفته و حق طبیعی آن‌ها برای دسترسی به خدمات مختلف آموزشی، درمانی و تفریحی از آن‌ها سلب شود (Al Arasi, 2013, 7). در کشورهای توسعه‌یافته که احتمالاً مشکل کمبود خدمات کمتر است، کودکان ساکن در مناطق شهری، از یک‌سو به واسطه‌ی ظهور و توسعه‌ی روزافزون اینترنت، شبکه‌های اجتماعی آنلاین و بازی‌های کامپیوتری در معرض الگوهای فراغت منفع‌ل قرار گرفته‌اند (Habibi & Behnamifard, 2017, 81) و از سوی دیگر، با چالش‌های متفاوتی از جمله کمبود فضاهای سبز، عدم احساس امنیت و کمبود فضاهای جذاب و مورد علاقه‌ی خود مواجه هستند (Al Arasi, 2013, 7).

این مسئله به‌ویژه در مناطق محروم و کمتر برخوردار نمود بیشتری می‌یابد و کودکان در کنار گروه‌های آسیب‌پذیر دیگری هم‌چون اقلیت‌ها، فقرا و سالمندان، به‌طور جدی تحت تأثیر زندگی در مساکن و محله‌های نامناسب قرار می‌گیرند. چراکه کودکان تا حد زیادی در برابر تأثیرات محیط مسکونی خود آسیب‌پذیر هستند و کیفیت محیطی فضای رشد و یادگیری آن‌ها، تأثیرات جدی بر سلامت جسمی، غنای رفتاری و عاطفی، موفقیت در مدرسه و فرصت‌های شغلی آن‌ها در آینده دارد (Behnamifard & Habibi, 2018, 24; Federal Healthy Homes Work Group, 2013, 8). به‌همین دلیل توجه به نیازهای این گروه سنی در برنامه‌ریزی و طراحی شهرها اهمیت ویژه‌ای دارد. درحالی‌که در شرایط فعلی، توجه کافی به اهمیت فرم شهری در فعالیت فیزیکی گروه‌های سنی مختلف از جمله کودکان نمی‌شود (Shafieiyoun & Zamani, 2021, 137) و در بهترین حالت، طراحی مناطق مسکونی و فضاهای سبز در مقیاس محلی، اغلب منعکس‌کننده‌ی درک و سلیقه‌ی برنامه‌ریزان و معماران از محیط‌های دوستدار کودک است و نیازهای واقعی کودکان را نشان نمی‌دهد. در واقع به‌نظر می‌رسد دانش علمی مبتنی بر اولویت‌های کودکان در استفاده از فضاهای شهری و محله‌ها به‌ندرت به‌عنوان بخشی از زمینه‌ی تصمیم‌گیری در طراحی ساختارهای جدید شهری یا بازسازی ساختمان‌های قدیمی در نظر گرفته می‌شود. درحالی‌که برداشت برنامه‌ریزان از محیط دوستدار کودک ممکن است بر اساس تجربیات کودکی خود برنامه‌ریزان باشد؛ اما زندگی کودکان در طی چندین دهه‌ی گذشته به سرعت و بسیار تغییر کرده و خواسته‌ها و نیازهای آن‌ها با زمان گذشته بسیار متفاوت است (Jørgensen, 2004, 1). لذا ضرورت شناسایی خواسته‌ها و نیازهای خود کودکان در طراحی و ساماندهی فضاهای محلات شهری، به‌ویژه محلات فرسوده و قدیمی وجود دارد. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف ارزیابی میزان علاقه‌ی کودکان و بررسی نظرات و دیدگاه‌های مصور آن‌ها درباره‌ی تغییراتی که تمایل دارند در محل سکونت‌شان ایجاد شود تا به محله‌ی ایده‌آل تبدیل شود، صورت گرفته است. این پژوهش در تلاش به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

- کودکان ساکن در محلات فرسوده و قدیمی چه احساسی نسبت به محله‌ی خود دارند؟
- تصویر این کودکان از یک محله‌ی ایده‌آل عمدتاً شامل چه عناصر محیطی است؟
- و تصویر محله‌ی ایده‌آل در بین دختران و پسران و سنین مختلف کودکان چه تفاوت‌هایی دارد؟

۱-۱- پیشینه

پیشگامان پژوهش در حوزه‌ی توجه به کودکان و رابطه‌ی آن‌ها با محیط شهری را می‌توان پژوهش‌گرانی چون کوین لینچ^۱، کالین وارد^۲ و راجر هارت^۳ دانست. اولین بار لینچ در «بزرگ شدن در شهرها»^۴ گروه‌های کوچکی از جوانان را در شهرهای مختلف (ملبورن، ورسو، سالتا و مکزیکوسیتی) مورد مطالعه قرار داد و در تلاش برای کشف نحوه‌ی استفاده و ارزش‌گذاری آن‌ها از محیط‌زیست، اهمیت فضای شهری را به‌عنوان یک عنصر حیاتی برای رشد آن‌ها (از نوجوانی تا بزرگسالی) شناسایی کرد (Lynch, 1977, 28). هدف اصلی پژوهش هارت (۱۹۷۹) نیز کشف تجربه‌ی کودکان از مکان و منظره بود. استدلال‌های او بر اساس یافته‌های یک مطالعه‌ی موردی بود که در یک شهر کوچک در نیوانگلند در ایالات متحده انجام شد. نتیجه‌ی مهم پژوهش وی نشان داد که در درون هر کودک تمایل اساسی برای کشف و شناخت محیط بزرگ‌تر وجود دارد (به نقل از Habibi & Behnamifard, 2016a, 143). هم‌زمان با مطالعات

فوق، کالین وارد (۱۹۷۷) اصلاح‌طلب حوزه‌ی آموزش و پرورش، پژوهش‌هایی را در جامعه‌ی انگلستان انجام داد تا از طریق آموزش و بازی، یک رکورد کیفی از تجربیات و اکتشافات کودکان در محیط شهری ارائه دهد. هدف اصلی مطالعه‌ی وی حمایت از حقوق کودکان برای مشارکت در برنامه‌ریزی و طراحی شهری بود و پیشنهاد کرد که آن‌ها باید از طریق استراتژی‌های مبتنی بر به رسمیت شناختن ظرفیت مستقل کودکان برای داشتن و استفاده از حقوق، در روند مشارکت عمومی قرار گیرند (Ward, 1977, 9). این پژوهش‌ها مقدمه و جرقه‌ای برای سوق یافتن سایر پژوهشگران به این حوزه شد.

استفاده از نقاشی‌های کودکان در پیش‌برد مطالعات علمی نیز به حدود ۱۷۰ سال گذشته باز می‌گردد. برخی از نخستین انتشارات مربوط به ارزش و اهمیت آثار هنری کودکان را می‌توان به چهره‌هایی نظیر رودلف تاففر^۵ (۱۸۴۸) کاریکاتوریست، نویسنده و مربی سوئیس و همین‌طور کورادو ریچی^۶ (۱۸۸۷) فیلسوف و شاعر ایتالیایی نسبت داد. ریچی کتابچه‌ای جامع درباره‌ی مطالعات خود در زمینه‌ی هنر کودکان منتشر کرد که می‌توان آن را اولین مستند رویکردهای رشد و نمو در نقاشی‌های شکل انسانی کودکان دانست. تا به امروز، کار او سهم مهمی در پژوهش در مورد نقاشی کودکان دارد و منجر به افزایش علاقه‌ی سایر پژوهشگران به مطالعه و تفسیر آثار هنری کودکان شد (Habibi & Behnamifard, 2016a, 143). در این زمینه جغرافی‌دانان، طراحان و برنامه‌ریزان شهری نیز به این حوزه روی آورده و تلاش کرده‌اند تا از طریق تفسیر نقاشی‌های کودکان، به شناسایی ایده‌ها، مفاهیم و مشکلات مورد نظر کودکان و برقراری ارتباط بهتر با آن‌ها بپردازند (Abu Bakar, 2001, 38). مطالعات مور^۷ (۱۹۸۶)، متیوز^۸ (۱۹۹۲) و بیلی^۹ (۲۰۰۰) را می‌توان برخی از اولین مطالعات شهری منطبق بر رویکرد نقاشی دانست (Lehman-Frisch et al., 2012, 18). پس از آن، این مطالعات کم‌کم بر مقیاس محلی و درک کودکان از محدوده‌ی اطراف خود متمرکز شد که در جدول ۱ برخی از جدیدترین مطالعات صورت گرفته در این حوزه (مربوط به ده سال اخیر) که با تاکید بر مقیاس محله و با استفاده از تفسیر نقاشی کودکان انجام شده، ارائه گردیده است.

جدول ۱- معرفی برخی مطالعات خارجی صورت گرفته در حوزه‌ی توجه به کودکان در مقیاس محله با استفاده از تفسیر نقاشی

سال	عنوان و هدف اصلی پژوهش	محدوده‌ی مطالعاتی	گروه سنی مورد مطالعه	منبع
۲۰۱۹	به‌کارگیری ابزارهای ترکیبی برای بررسی ادراک بچه‌ها از زمینه‌های محله‌ای	مید وُست، آمریکا	۱۱-۱۹	Pratt et al., 2019, 1
۲۰۱۸	تحلیلی از نقاشی‌های کودکان دبستانی و ترجیحات آن‌ها برای محل بازی‌شان	استانبول، ترکیه	۸-۱۰	Yücel et al., 2018, 221
۲۰۱۸	درک شناختی کودکان از محله‌ی خود	کمپ فلسطینی‌ها در اردن	۱۰-۱۴	Al-Khalaileh, 2018, 17
۲۰۱۸	برداشت کودکان از محیط بیرون خود و ارتباط آن با فعالیت فیزیکی آن‌ها	گلاسگو، انگلیس	۱۰-۱۱	Hayball, 2018, 8
۲۰۱۲	ایجاد محلات سالم‌تر برای کودکان: منشور کودکان	۲ محله‌ی شهر بلفاست در ایرلند شمالی	۷-۱۱	Belfast Healthy Cities, 2012, 33
۲۰۱۲	محله‌ی خود را برای من ترسیم کن	یک محله‌ی تاریخی در پاریس، فرانسه	۹-۱۰	Lehman-Frisch et al., 2012, 18
۲۰۱۱	تجسم و طراحی یک محله‌ی دوستدار کودک	محله‌ی بروکس ریچ شهر هورسی در استرالیا	۵-۶ ۱۰-۱۱	Malone, 2011, 10

۲- مبانی نظری

طراحی یک فضای پاسخده و موفق برای کودکان و نوجوانان، در وهله‌ی اول حاصل شناخت بهتر خصوصیات این گروه سنی و نیازها و خواسته‌های آن‌ها در بستر فضای شهری است. همان‌طور که هُروکس و موسمن می‌گویند: «تنها وسایل زندگی، مدرسه و تغذیه را فراهم کردن برای ارضای آن‌ها کافی نیست، بلکه باید به علایق و نیازهای آن‌ها نیز توجه نمود» (Horrocks & Mussman, 1973, 241). سازمان ملل متحد نیز مجموعه‌ای از نیازهای اساسی برای رفتار با کودکان و جوانان، از جمله دسترسی آن‌ها به آموزش، بهداشت و ارتباط آن‌ها با محل کار و سیستم عدالت را بیان نموده است (CDSS, 2018, 15). زیرا کودکان به عنوان بخش مهمی از ساکنان شهر، به‌واسطه‌ی وابستگی بیشتر نسبت به محیط محلی و همسایگی (در مقایسه با سایر گروه‌های سنی) و محدود بودن فعالیت‌شان به فرصت‌های تفریحی واقع در فاصله‌ی قابل پیاده‌روی یا دوچرخه‌سواری از منزل (Habibi &



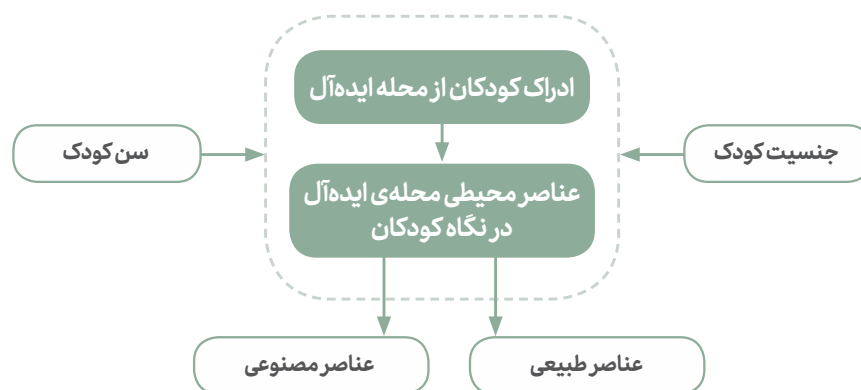
Behnamifard, 2016a, 143) که عمدتاً به دلایلی همچون نداشتن استقلال فردی یا اقتصادی، عدم امکان حضور در فضای شهری بدون همراه و ترس والدین از قربانی شدن فرزندان خود توسط افراد غریبه در شهر رخ می‌دهد (Von Bredow, 2006, 14)، درک و شناخت قوی از مکان‌های کالبدی و واحدهای اجتماعی محله اطرافشان دارند (Habibi & Behnamifard, 2016a, 143) و تا حد زیادی از حضور در این فضاها تأثیر می‌پذیرند. در واقع فضاهای باز محله‌ای و مراکز محلات می‌توانند بخش عمده‌ای از زمان و محیط زندگی روزمره‌ی کودکان را به خود اختصاص داده و در تأمین نیازهای اجتماعی و فردی‌شان نقش مهمی داشته باشند (مظفر و همکاران، ۱۳۸۶، ۶۰). از سوی دیگر، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که ارتباط با محیط‌های بیرونی و فضاهای شهری با ایفای نقشی حیاتی در رشد فیزیکی و شناختی نوجوانان، می‌تواند سرعت گذار آن‌ها به مرحله‌ی بزرگسالی را افزایش دهد (Von Bredow, 2006, 3 & 13). زیرا فرصت‌های کودکان و نوجوانان برای رشد به‌عنوان فردی با اعتماد به نفس، متعادل و با هویت جمعی نیازمند مکان‌های عمومی و نیمه عمومی است تا آن‌ها بتوانند تنوعی از نقش‌های اجتماعی را در آن مشاهده و تجربه کرده (Chawla & Malone, 2003, 138) و توانایی‌های اجتماعی و فیزیکی خود را محک بزنند. در این راستا، فضاها باید موافق با خواسته‌های این گروه سنی طراحی شوند، نه اینکه آن‌ها را از ماندن در فضا دلسرد کنند (Habibi & Behnamifard, 2016a, 143). یعنی امکانات و موقعیت‌ها باید جایی طراحی شوند که کودکان و نوجوانان آن‌ها را ببینند و در یک فضای امن و معقول، بدون از بین بردن هیجان و انرژی دلخواه‌شان به بازی و تعاملات اجتماعی بپردازند (Shaftoe, 2008, 43).

علاوه بر این، پژوهش‌های صورت گرفته نیز حکایت از تأثیرگذاری ابعاد مختلف محله (اعم از ساختاری، کالبدی و اجتماعی) بر رفتارهای فردی کودکان و نوجوانان داشته، و نمایانگر نقش موثر محیط اجتماعی در خلاقیت این گروه سنی، و انتقال آنان به مرحله‌ی بزرگسالی هستند. به‌همین دلیل یکی از مهم‌ترین نظریات در حوزه‌ی رشد کودکان، بحث تعامل سازنده‌ی کودک با محیط پیرامون خود است (رستگار، ۱۳۸۷، ۳). محیط با امکانات متعددی که می‌تواند در اختیار کودک (به‌عنوان مخاطب) قرار دهد، نقش بسیار مهمی در فعال نمودن ظرفیت‌های درونی کودک داشته و زمینه‌ی رشد او در ابعاد مختلف فراهم می‌سازد. لذا شناخت جنبه‌های مختلف رشد کودک امری ضروری در فرآیند طراحی شهری دوست‌دار کودک محسوب شده (جباری، ۱۳۹۴، ۵) و به معنی توجه به خصوصیات جسمی و روانی کودکان در مراحل مختلف رشد است. اهمیت محیط در رشد و تکامل انسان قبل از قرن هیجدهم چندان مورد توجه قرار نگرفته بود. اما امروزه پژوهش‌ها نشان داده‌اند که غیر از چند صفت مربوط به گروه‌های خونی، هیچ یک از صفات ارثی موجود انسانی از نفوذ عوامل محیطی در امان نیست. تمام صفات جسمانی و روانی انسان، نتیجه‌ی کنش متقابل و دائمی دو عامل وراثت و محیط هستند (احدی و بنی‌جمالی، ۱۳۸۲، ۱۲). محیط کودک باید در حد امکان برانگیزاننده و مناسب باشد تا کودک بتواند استعدادهای بالقوه خود را به فعالیت درآورد. هر چه محیط زندگی و اجتماعی کودک، غنا و آرامش بیشتری داشته باشد، استعدادهایش بهتر شکوفا خواهد شد.

مطالعات موجود در ارتباط با علاقه‌ی کودکان به محله و فضاهای آن در برخی موارد نمایانگر تعارضات جالبی است. برای مثال کودکان به برخی از مناظر طبیعی و مناطق بازی (شامل پارک‌ها، جنگل‌ها، آبراه‌ها، زمین‌های بازی و امکانات تفریحی) علاقه دارند، در عین حال پارک‌ها و مناطق طبیعی توسعه نیافته آن‌قدری که به‌عنوان مکان‌های مطلوب شناخته می‌شوند، در واقعیت مورد استفاده قرار نمی‌گیرند (Chawla & Malone, 2003, 138). در عوض، خیابان‌ها، کوچه‌ها، حیاط‌ها و مناطق خالی اگرچه لزوماً ترجیح داده نمی‌شوند، اما به لحاظ فعالیتی بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند (Eubanks Owen, 1994, 292). مطالعات نشان می‌دهد که اولویت مکان از نظر جنسیت و سن کودکان متفاوت است (Habibi & Behnamifard, 2016a, 143; O'Brien et al., 2000, 257). کودکان خردسال معمولاً مناطق بازی و مکان‌های نزدیک به خانه را ترجیح می‌دهند، درحالی‌که نوجوانان «مناطق نامرئی» مانند مکان‌های زباله و اراضی توسعه نیافته، مناطق خالی و امکانات تفریحی یا تجاری را ترجیح می‌دهند. دختران تمایل دارند سایت‌های نزدیک به خانه و مناطق سبز را استفاده کنند، درحالی‌که پسران بیشتر از مکان‌های دورتر استقبال می‌کنند (Min & Lee, 2006, 52). علاوه بر این، اولویت و رفتار ممکن است با توجه به زمینه‌ی محله و واقعیت‌های اجتماعی-فیزیکی که تعیین می‌کند چه گزینه‌هایی در دسترس و چه گزینه‌هایی برای کودکان محدودیت است، متفاوت باشد. به‌همین دلیل، مطالعات موجود نتایج متفاوتی را بین محله‌های شهری، حومه‌ای و روستایی و بین جوامع در فرهنگ‌های مختلف نشان می‌دهند. در محلات مسکونی بلند مرتبه و برنامه‌ریزی شده، وقتی از کودکان درباره‌ی قسمت مورد علاقه‌ی محله‌شان سوال شود، احتمالاً از مکان‌های تعیین شده و مشخص (به‌عنوان مثال زمین‌های بازی) نام ببرند و نشان دهند که به‌طور منظم از این مناطق بازی بازدید می‌کنند و به سختی به جای دیگری می‌روند (Habibi & Behnamifard, 2016a, 143).

143, 2016a). ممکن است گزینه‌های بالقوه‌ی دیگری نیز برای بازی آن‌ها وجود داشته باشد اما خطرات مختلف آن‌ها را از ورود به این گزینه‌ها باز می‌دارد. در نتیجه، کودکان از زمین بازی استفاده می‌کنند و در نهایت به آن علاقه‌مند می‌شوند. ترجیح و استفاده‌ی واقعی کودکان نیز در انواع مختلف محلات، کاملاً متفاوت خواهد بود، مثلاً در یک شهر حومه‌ای که مناطق بازی طبیعی بالقوه، قابل دسترس و امن هستند، قطعاً می‌توانند مورد علاقه و استفاده‌ی کودکان باشند. اما برعکس در زمینه‌های مختلف دیگر (مانند برخی از بلوک‌های مسکونی قدیمی یا سکونتگاه‌های غیررسمی و فشرده) که گزینه‌های در دسترس این گروه سنی بسیار محدود بوده و کودکان عمدتاً در خیابان‌ها یا حیاط‌ها بازی می‌کنند، ایده‌های بسیار متفاوتی در مورد مکان‌های ترجیحی وجود خواهد داشت (Min & Lee, 2006, 52) که لازم است مورد مطالعه قرار گیرند.

بنابراین به‌نظر می‌رسد در بررسی ادراک کودکان از یک محله‌ی ایده‌آل (مدل مفهومی پژوهش - تصویر ۱)، سه جنبه‌ی اصلی باید در نظر گرفته شود. جنبه‌ی اول بستر مورد مطالعه و مشخصات منحصر به فرد محدوده‌ی مطالعاتی است که در مقایسه با سایر محدوده‌ها لازم است، مورد توجه قرار گیرد. شناسایی فضاهای دلخواه کودکان در محله، از طریق واکاوی ویژگی‌ها و عناصر منحصر به فرد موجود در آن‌ها ممکن است، به گونه‌ای که از تدقیق عناصر مصنوع یا طبیعی مورد اشاره‌ی آن‌ها و چیدمان‌شان در کنار یکدیگر، بتوان به تصویر ایده‌آل آن‌ها از یک محله دلخواه دست یافت. جنبه‌ی سوم تفاوت‌های فردی کودکان (از منظر سن و جنسیت) است که طبق مطالعات قبلی، پتانسیل قابل توجهی از منظر تاثیرگذاری بر ادراک کودکان و تمایلات آن‌ها در این زمینه دارد.



تصویر ۱- مدل مفهومی پژوهش

۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کاربردی بوده و از رویکرد آمیخته (کیفی-کمی) بهره برده است. این پژوهش به شیوه‌ی پیمایشی انجام شده است. در بخش ادبیات و مبانی نظری آن، گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است. سپس گردآوری داده‌ها در محدوده‌ی مطالعاتی، به شیوه‌ی پیمایشی و در فاصله‌ی ۱۳۹۸/۷/۶ تا ۱۳۹۸/۷/۲۱ از دانش‌آموزان مقاطع چهارم تا ششم ابتدایی در دو دبستان محله‌ی حصارک بالا (یک دبستان پسرانه و یک دبستان دخترانه) صورت گرفته است. بدین صورت که ابتدا ضمن انجام هماهنگی‌های لازم با مسئولین مدارس و همین‌طور دبیران پایه‌های چهارم تا ششم، نگارندگان در دو هفته‌ی آموزشی پیاپی، در ساعت مربوط به درس ورزش بین دانش‌آموزان هر پایه حضور یافته و از ابزارهای مختلف برای جلب همکاری آن‌ها و گردآوری و تحلیل داده‌های مورد نیاز خود به شرح زیر بهره برده‌اند.

در جلسه‌ی اول، نگارندگان ضمن توضیح دلایل و اهداف حضور خود به دانش‌آموزان، با استفاده از تکنیک «برنامه‌ی گفتگو محور»^{۱۰} که برای مصاحبه با کودکان بین ۱۰ تا ۱۳ سال موثر شناخته شده است (Vasquez, 2000, 12; Wilson & Power, 2012, 7; CDSS, 2018, 11)، از هر یک از دانش‌آموزان خواستند تا در صورت تمایل، در رابطه با احساسی که نسبت به محله‌ی خود دارند صحبت کرده و میزان علاقه به محله‌ی خود را از بین اعداد یک تا بیست نمره‌دهی کنند. در این حوزه، تعداد افراد مایل به گفتگو (حجم نمونه) برابر با ۱۳۴ نفر (۷۳ دختر و ۶۱ پسر) بود. نگارندگان نیز ضمن یادداشت و نوت‌برداری از پاسخ‌ها، مکالمه را با اطلاع قبلی به دانش‌آموزان، ضبط نمودند تا بتوانند آن را به‌منظور بررسی‌های بیشتر و بهره‌مندی از تمام پاسخ‌ها مورد استفاده قرار دهند. سپس برای تحلیل داده‌ها، ابتدا پاسخ‌های دانش‌آموزان (نمرات بین یک تا بیست) در یک

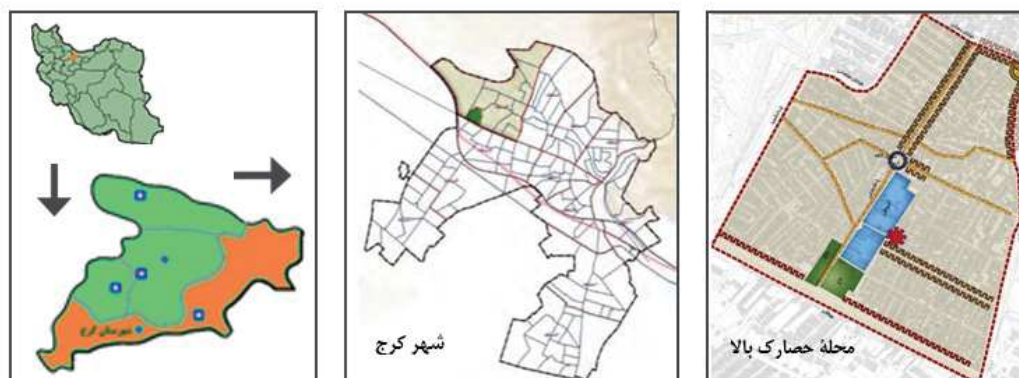
طیف پنج‌تایی تقسیم شد. سپس به توصیه‌ی مطالعات پیشین، جداسازی پاسخ‌ها متناسب با جنسیت و سن دانش‌آموزان صورت گرفت (Molina et al., 2009, 160). تحلیل داده‌ها نیز به شیوه‌ی کمی و با استفاده از آزمون کای‌اسکوئر^{۱۱} انجام شده است. در جلسه‌ی دوم نیز تعامل با دانش‌آموزان به کمک ابزار نقاشی و ترکیب تکنیک «فانتزی جزیره^{۱۲}» با آزمون «خانه-درخت-آدم^{۱۳}» صورت گرفت (Vasquez, 2000, 10). این نوع تعامل بصری، در بسیاری از مطالعات روان‌شناختی، متناسب با رشد شناختی کودکان و به‌عنوان ابزاری موثر در درک و شناسایی نیازها و خواسته‌های آن‌ها شناخته شده است (Merriman & Guerin, 2006, 48; Duncan, 2013, 7; Literat, 2013, 84; Johnson et al., 2014, 48; Kitahara & Matsuishi, n.d, 8). لذا از دانش‌آموزان خواسته شد تا به‌صورت تصویری و در یک کاغذ سفید نشان دهند که «اگر مسئول نوسازی محله‌ی خود بودند، دوست داشتند چه تغییراتی در آن ایجاد کنند تا تبدیل به محله‌ی دلخواه آن‌ها شود؟» سپس از آن‌ها خواسته شد تا یک انشای کوتاه در ارتباط با نقاشی خود و پاسخ‌ها و ایده‌هایشان در این زمینه بنویسند (تصویر ۲). در این رابطه تمامی ابزارهای لازم برای مشارکت دانش‌آموزان (اعم از کاغذ، مداد، پاک‌کن و مدادرنگی) نیز در اختیار آن‌ها قرار گرفت. در نهایت، مجموعاً ۲۸ کودک، یعنی ۱۶ نفر در دبستان دخترانه (شامل ۷ نفر از پایه‌ی چهارم، ۵ نفر از پایه‌ی پنجم و ۴ نفر از پایه‌ی ششم) و ۱۲ نفر در دبستان پسرانه (شامل ۴ نفر از هر پایه) داوطلب شدند. تحلیل نقاشی‌های ترسیم شده توسط کودکان نیز از طریق ساز و کار تفسیری و با بهره‌مندی از دیدگاه‌های روانشناختی موجود در این حوزه صورت گرفته است.



تصویر ۲- ترسیم نقاشی در دبستان پسرانه در حصارک بالا

۳-۱- محدوده‌ی مطالعاتی

محدوده‌ی مطالعاتی پژوهش، یکی از محلات قدیمی شهر کرج به نام محله‌ی حصارک بالا است که در بافت فرسوده‌ی مصوب این شهر قرار گرفته است. بافت شهر کرج را می‌توان یک بافت غیر ساختارمند دانست که علاوه بر مشکلات متداول کلانشهرها، در پهنه‌های فرسوده‌ی خود با تراکم بالای جمعیت (حدود ۲۷/۸٪ از کل جمعیت شهر)، نبود شبکه‌ی کارآمد رفت و آمد در سطح محلات و ریز پهنه‌ها، ضعف شدید استخوان‌بندی، سیمای شهری ناپسند و کمبود شدید فضای باز و سبز شهری مواجه است (زیاری و همکاران، ۱۳۹۱، ۵-۶). محله‌ی مورد مطالعه (تصویر ۳) نیز با قرارگیری در منطقه‌ی ۶ شهرداری و شمال غرب شهر کرج، در پهنه‌ی فرسوده‌ی این شهر واقع شده و ۷۶۴۰ خانوار (۲۳۸۹۳ نفر) در آن ساکن هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).



تصویر ۳- موقعیت محدوده‌ی مطالعاتی (مهندسان مشاور نقش پیراوش، ۱۳۹۴، ۱۶۴)



۴- تحلیل داده‌ها

۴-۱- احساس و میزان علاقه‌ی کودکان به محله‌ی حصارک بالا

همان‌طور که در توضیحات روش پژوهش اشاره شد، بخش اول یافته‌ها شامل آمار توصیفی و استنباطی مرتبط با سوال پرسیده شده از کودکان، مبنی بر نمره‌گذاری میزان علاقه به محله‌ی خود (نمرات بین یک تا بیست) است. در این حوزه، تعداد افراد مایل به گفتگو در دبستان دخترانه برابر با ۷۳ نفر (۳۱ نفر در پایه‌ی چهارم، ۲۷ نفر در پایه‌ی پنجم و ۱۵ نفر در پایه‌ی ششم) و در دبستان پسرانه برابر با ۶۱ نفر (۲۲ نفر در پایه‌ی چهارم، ۲۰ نفر در پایه‌ی پنجم و ۱۹ نفر در پایه‌ی ششم) به‌دست آمد (جدول ۲).

جدول ۲- آمار فراوانی مشارکت کودکان در بخش اول

آمار پاسخ دهنده‌گان	دختران (۵۴/۴۸٪)			پسران (۴۵/۵۲٪)		
	پایه‌ی چهارم	پایه‌ی پنجم	پایه‌ی ششم	پایه‌ی چهارم	پایه‌ی پنجم	پایه‌ی ششم
تعداد	۳۱	۲۷	۱۵	۲۲	۲۰	۱۹
درصد از کل کودکان	۲۳/۱۳٪	۲۰/۱۵٪	۱۱/۲٪	۱۶/۴۲٪	۱۴/۹۲٪	۱۴/۱۸٪

در ارتباط با نمره‌گذاری‌های انجام شده توسط کودکان نیز ابتدا پاسخ‌ها (نمرات اعلام شده بین یک تا بیست) در یک طیف پنج‌تایی تقسیم‌بندی شد (نمرات یک تا چهار به‌عنوان بسیار کم، نمرات پنج تا هشت به‌عنوان کم، نمرات نه تا دوازده به‌عنوان متوسط، نمرات سیزده تا شانزده به‌عنوان زیاد و نمرات هفده تا بیست به‌عنوان بسیار زیاد). یافته‌ها نشان می‌دهد در مجموع ۶۳/۴۴٪ از کودکان علاقه‌ی کم یا بسیار کمی به محله‌ی خود دارند که از این تعداد، ۳۷/۳۲٪ را دختران تشکیل می‌دهند. تنها ۱۲/۶۸٪ از کودکان در حد زیاد یا بسیار زیاد به محله‌ی خود علاقه داشتند که ۹/۷٪ از آن‌ها را پسران تشکیل می‌دهند (جدول ۳).

تحلیل استنباطی ارتباط بین جنسیت و سن کودکان با میزان علاقه‌شان به محله‌ی حصارک بالا نیز از طریق آزمون کای‌اسکوئر صورت گرفته است (جدول ۴). یافته‌های این تحلیل نشان می‌دهد بین جنسیت و سن آن‌ها با میزان تمایل و علاقه‌شان به محله ارتباط معناداری وجود دارد. این مسئله که توسط آمار توصیفی نیز پوشش داده شد، نمایانگر علاقمندی کمتر دختران به محله و همچنین کاهش علاقه‌ی کودکان با افزایش سن آن‌ها است.

جدول ۳- آمار توصیفی میزان تمایل کودکان به محله‌ی حصارک بالا

گروه‌های جنسیتی	آمار توصیفی	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
دختران	تعداد	۲۷	۲۳	۱۹	۳	۱
	درصد از کل کودکان	۲۰/۱۵٪	۱۷/۱۷٪	۱۴/۱۸٪	۲/۲۴٪	۰/۷۴٪
پسران	تعداد	۱۶	۱۹	۱۳	۹	۴
	درصد از کل کودکان	۱۱/۹۴٪	۱۴/۱۸٪	۹/۷٪	۶/۷۲٪	۲/۹۸٪

جدول ۴- ارتباط بین جنسیت و سن کودکان با میزان علاقه‌ی آن‌ها به محله‌ی حصارک بالا

متغیر	ضریب کای اسکوئر	سطح معناداری
جنسیت	۴۷/۵۹۱	۰/۰۰۰
سن	۵۲/۷۳۴	۰/۰۰۰

۴-۲- محله‌ی ایده‌آل از منظر کودکان

بخش دوم یافته‌های پژوهش شامل نقاشی‌های کودکان در رابطه با تغییراتی است که تمایل دارند در محله‌شان ایجاد کنند (تا به محله‌ی مورد دلخواه آن‌ها تبدیل شود). در این زمینه، ابتدا تصویر نقاشی‌های کودکان به تفکیک جنسیت ارائه شده است. تصویر ۴ نقاشی‌های پسران پایه‌ی چهارم تا ششم ابتدایی محله‌ی حصارک بالا را درباره‌ی محله‌ی ایده‌آل آن‌ها نمایش می‌دهد.



تصویر ۴- نقاشی‌های پسران پایه‌های چهارم تا ششم ابتدایی ساکن در محله‌ی حصارک بالا (درباره‌ی محله‌ی ایده‌آل)



تصویر ۵ نیز نمایانگر نقاشی‌های دختران پایه‌ی چهارم تا ششم ابتدایی ساکن محله‌ی حصارک بالا (درباره‌ی محله‌ی ایده‌آل) است.



تصویر ۵- نقاشی‌های دختران پایه‌های چهارم تا ششم ابتدایی ساکن در محله‌ی حصارک بالا (درباره‌ی محله‌ی ایده‌آل)

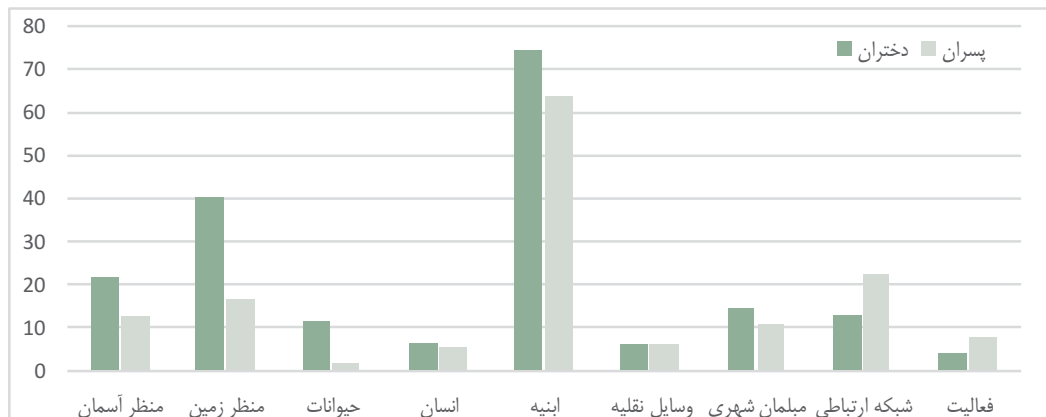
در جدول ۵ اطلاعات کمی مرتبط با عناصر موجود در نقاشی‌های کودکان محله‌ی حصارک بالا درباره‌ی محله‌ی ایده‌آل ارائه شده است.



جدول ۵- اطلاعات توصیفی محتوای نقاشی‌های کودکان محله‌ی حصارک بالا

موضوعی	دسته‌بندی	عناصر	تعداد عنصر در نقاشی‌ها			دسته‌بندی	عناصر	تعداد عنصر در نقاشی‌ها		
			دختران	پسران	کل			دختران	پسران	کل
عناصر طبیعی	منظر آسمان	آسمان	۸	۴	۱۲	منظر زمین	درخت	۱۲	۷	۱۹
		خورشید	۶	۳	۹		گل	۹	۳	۱۲
		ابر	۴	۴	۸		بوته	۷	۳	۱۰
		کوه	۳	۱	۴		چمن	۸	۱	۹
	حیوانات	پرنده	۶	۱	۷	پهنه سبز (پارک)	۴	۲	۶	
		پروانه	۴	۰	۴	زن/دختر	۲	۱	۳	
		اسب	۱	۰	۱	مرد/پسر	۴	۴	۸	
		عناصر مصنوعی	آبیه	ساختمان بلند	۱۱	۸	۱۹	مبلمان شهری	وسایل بازی	۳
ساختمان کوتاه	۷			۸	۱۵	نیمکت	۲		۱	۳
پنجره	۱۴			۹	۲۳	منبع نوری	۱		۱	۲
پرده	۳			۵	۸	تابلو	۳		۲	۵
در	۱۰			۹	۱۹	بولارد	۱		۱	۲
راه پله	۰			۱	۱	سطل زباله	۲		۲	۴
ایوان/بالکن	۰			۱	۱	چراغ راهنمایی رانندگی	۰		۱	۱
آیفون/زنگ	۳			۳	۶	پرچم	۲		۱	۳
وسایل نقلیه	نمای ساختمان		۸	۸	۱۶	شبکه ارتباطی	سواره‌رو خیابان	۵	۷	۱۲
	بام/سقف		۶	۶	۱۲		پیاده‌رو خیابان	۳	۲	۵
	دودکش		۳	۰	۳		خطوط عرضی گذر عابر پیاده	۰	۲	۲
	آنتن		۳	۲	۵		خطوط بین باندهای سواره‌رو	۱	۷	۸
	مصالح ساختمانی	۶	۳	۹	پارکینگ حاشیه‌ای		۰	۱	۱	
	خودروی سواری	۳	۳	۶	فضای سبز حاشیه‌ای		۲	۱	۳	
	موتور	۰	۱	۱	جدول حاشیه‌ای		۱	۲	۳	
	دوچرخه	۱	۰	۱	ساخت و ساز ساختمانی		۱	۳	۴	
	۲	۱	۳	کاربری ساختمان	۲	۴	۶			

همان‌طور که در جدول ۵ ملاحظه می‌شود، در مجموع بیشترین عناصری که در نقاشی‌های کودکان تکرار شده‌اند، در وهله‌ی اول به عناصر ساختمانی مربوط هستند و شامل: پنجره (۲۳ مورد)، ساختمان بلند و در (۱۹ مورد) و نمای ساختمان (۱۶ مورد) است. در عین حال در ۱۹ مورد از نقاشی‌ها اشاره به درخت نیز مشاهده می‌شود. کمترین تعداد تکرار برابر با ۱ مورد و مربوط به برخی عناصر شبکه‌ی ارتباطی (پارکینگ حاشیه‌ای و چراغ راهنمایی و رانندگی)، وسایل نقلیه (از جمله موتور و دوچرخه) و عناصر درون ساختمانی (راه پله و ایوان یا بالکن) است. تصویر ۶ نیز نمایانگر توزیع جنسیتی کودکان از نظر عناصر موجود در نقاشی‌های آن‌ها از محله‌ی ایده‌آل است.



تصویر ۶- نمودار توزیع جنسیتی عناصر موجود در نقاشی‌های کودکان از محله ایده‌آل

۵- یافته‌ها و بحث

در زمینه‌ی تحلیل نقاشی‌های کودکان، برخی پژوهشگران معتقد به تفسیر صرف آن‌ها منطبق بر قراردادهای تصویری و قوانین فرهنگی جوامع هستند (Burkitt, 2004, 566). برخی دیگر از پژوهش‌گران بیش از حد به پرسش‌ها ورود می‌کنند و تمرکز خود را بر مفاهیم اصلی از دست می‌دهند یا بیش از حد پیچیده به موضوع نگاه می‌کنند و کارهای زیادی انجام می‌دهند، اما در نهایت موفقیت‌چندانی در زمینه‌ی تفسیر نقاشی‌ها به‌دست نمی‌آورند (Merriman & Guerin, 2006, 49). برخی دیگر نیز بین تفسیر نقاشی با سایر آزمون‌های تصویری تفاوت چندانی قائل نمی‌شوند (Thomas & Thompson, 2004, 42). بنابراین، سختی ارائه‌ی یک تفسیر قابل اعتماد از نکات با اهمیت هر نقاشی در این است که از یک ویژگی معین می‌تواند به‌طور منطقی چندین تفسیر مختلف وجود داشته باشد که این تفاسیر هم به نوع فرآیندهای احتمالی فعال در تولید نقاشی بستگی دارند و هم به شخصی که قرار است نقاشی را تفسیر کند (Merriman & Guerin, 2006, 49).

در مجموع دو روش متمایز برای دست‌یابی به تحلیل نقاشی‌های کودکان وجود دارد: یکی تفسیر کاملاً فرافکنانه، و دیگری که روی محتوا تمرکز دارد و نه تفسیر (Merriman & Guerin, 2006, 49). پژوهش حاضر بر رویکرد دوم تمرکز دارد که استفاده از نقاشی را به‌عنوان یک ابزار تحقیقاتی در حوزه‌هایی فراتر از سنجش سطح رشد و ارزیابی بالینی کودکان در نظر می‌گیرد. این رویکرد به‌طور معمول به‌عنوان یک روش کمی تحلیل دیده می‌شود، زیرا بر کمی‌سازی متن و تعاریف اولیه متمرکز است. با این حال، برخی آن را به‌عنوان سیستمی توصیف می‌کنند که می‌تواند عناصر کمی (به‌عنوان مثال تعداد و فراوانی) و همچنین الگوهای کیفی (کاوش مضامین) را در متن کشف کند (Silverman, 2001, 10). بنابراین تحلیل مبتنی بر محتوا سهم مهمی در تحلیل نقاشی‌های کودکان داشته و این امکان را می‌دهد که در عین بررسی کیفی از آنچه ترسیم شده، یک ارزیابی کمی هم با در نظر گرفتن تعداد موضوعات یا دسته‌بندی‌های خاص ترتیب داد و این الگوها را بر اساس سایر عوامل فردی همچون جنسیت و سن نیز بررسی نمود (Merriman & Guerin, 2006, 50).

از منظر جنسیتی، مطالعات پیشین نشان می‌دهند که تفاوت‌های جنسیتی زیادی در تنظیمات محتوا، سبک و موضوع نقاشی کودکان وجود دارد و کودکان هم جنس عمدتاً موضوعات مشترکی را ترسیم می‌نمایند (Flannery & Watson, 1995, 51; Tuman, 1999, 115). علاوه بر این، مطالعات نشان می‌دهد، نقاشی‌های پسران غالباً شامل شخصیت‌های فانتزی و یا اشیاء متحرک و صحنه‌های اکشن بوده و کمتر شامل شکل‌های انسانی یا صحنه‌های آرام است (Iijima et al., 2001, 36; Tuman, 1999, 9; Wright, 2010, 99). هم‌راستا با این مطالعات، بررسی نقاشی کودکان محله‌ی حصارک بالا نیز نشان می‌دهد تعداد کمتری از پسران در نقاشی‌های خود به ترسیم شمایل انسانی (اعم از زن یا مرد و دختر یا پسر) پرداخته‌اند. از طرف دیگر تعداد عناصر مرتبط با شبکه‌ی حرکتی (اعم از خیابان و پرداختن به جزئیات آن) در نقاشی‌های پسران به‌طور قابل توجهی بالاتر از نقاشی‌های دختران بوده و نمایانگر تمایل و توجه بیشتر پسران به جزئیات هنگام حضور در خیابان است. همچنین مبتنی بر مطالعات پیشین که نشان می‌دهند دختران در ترسیمات خود غالباً تجربیات زندگی روزمره را نشان می‌دهند (Duncan, 2013, 42) و نقاشی‌هایشان شامل مردم، گل‌ها، حیوانات کوچک و حیوانات خانگی است (Picard &)



و پارک دیده می‌شود. (Gauthier, 2011, 850; Golomb, 2004, 24) یافته‌های پژوهش حاضر نیز هم جهت با این مطالعات نشان می‌دهد تعداد عناصر طبیعی ترسیم شده هم‌چون حیوانات، منظر آسمان و منظر طبیعی زمین به‌طور قابل توجهی در نقاشی‌های دختران بیشتر از پسران است. همچنین در نقاشی‌های دختران جزئیات بیشتری از عناصر و مبلمان شهری موجود در فضاهای سبز

از منظر سنی نیز، نقاشی برای کودکان، هم‌زمان که بیان خود درونی و یک روش ارتباطی محسوب می‌شود، چیزی است که رشد شناختی کودک را همراه با سن او نشان می‌دهد. نقاشی‌های کودکان دارای یک ترتیب رشد هستند و این امر همراه با رشد مهارت‌های حرکتی، رشد عاطفی، رشد روانی اجتماعی و رشد ادراک کودکان اتفاق می‌افتد. کودکان «آنچه می‌دانند» را به سبک خود به تصویر می‌کشند. به عبارت دیگر، عملکردهای ادراک، حساسیت/ احساسات و عملکردهای حرکتی با هم تعامل دارند و در نهایت با اضافه شدن عامل تجربه‌ی اجتماعی به سایر موارد، تصویر بر روی کاغذ کشیده می‌شود. بنابراین مبتنی بر رویکرد رشدی^{۱۴}، طبیعتاً نقاشی کودکان با توجه به سن آن‌ها تغییر می‌کند. از طرف دیگر، کودکان آنچه را که از موضوع می‌دانند ترسیم می‌کنند. در واقع در هر نقاشی موضوعی، آنچه آن‌ها می‌دانند و آنچه می‌خواهند درباره‌اش با دیگران ارتباط برقرار کنند. لذا میزان آگاهی کودک از محیط اطراف و به عبارت دیگر، وسعت دید کودک در جهان تأثیر زیادی در محتوای نقاشی او دارد (Kitahara & Matsuishi, n.d, 10). در سنین ۷ تا ۱۲ سال، کودکان دچار واقع‌گرایی بصری می‌شوند. زیرا در این دوره‌ی سنی ذهنیت کودکان کمتر شده و آنچه را که در واقع قابل مشاهده است ترسیم می‌کند. چهره‌های انسانی واقعی‌تر و متناسب‌تر ترسیم می‌شوند و رنگ‌های مرسوم‌تر استفاده می‌گردد (Abu Bakar, 2001, 49). بنابراین توسعه‌ی مهارت‌های مختلف در کودک، در کنار تحقق تجربه‌ی زندگی و گسترش جهان بینی او تأثیرات زیادی در پیشبرد فعالیت‌های ترسیمی داشته و باعث توسعه‌ی بیان نقاشی کودک می‌شود (Kitahara & Matsuishi, n.d, 11). تحلیل نقاشی‌های کودکان محله‌ی حصارک بالا از منظر سن نشان می‌دهد کودکان پایه‌های ششم و پنجم جزئیات بیشتری در نقاشی‌های خود ارائه داده‌اند، مواردی مثل جزئیات ساختمان‌ها (نوشتن کاربری ساختمان، نمای ساختمان، آیفون، راه پله، نوع بام، نوع مصالح و...) و جزئیات مقاطع عرضی خیابان‌ها (تفکیک فضاهای سواره، پیاده و سبز، گذرهای عرضی پیاده و...) که نمایانگر دقت بیشتر آن‌ها هنگام حضور در فضاهای شهر است. علاوه بر این، با افزایش سن کودکان و ورود به مرحله‌ی نوجوانی (بعد از ۱۲ سال)، به دلیل افزایش مهارت‌های منطقی در آن‌ها، تمایل به نقاشی کردن کاهش می‌یابد (Abu Bakar, 2001, 49). نمود این حقیقت علمی نیز در آمار توصیفی مرتبط با مشارکت کمتر دانش‌آموزان پایه‌ی ششم نسبت به پایه‌های پایین‌تر، به وضوح دیده می‌شود.

۶- نتیجه‌گیری

از آنجایی که محیط بیرون از خانه برای کودکان به عنوان یک فضای اجتماعی درک می‌شود که بر انتخاب فعالیت‌های بازی آن‌ها تأثیر گذاشته و رشد فردی سالم را در آن‌ها محقق می‌کند (Thomas & Thompson, 2004, 42)، پژوهش حاضر با هدف سنجش سطح علاقه‌ی کودکان ساکن در محلات قدیمی و فرسوده نسبت به فضاهای محله‌ی خود و کنکاش تصور و تجسم آن‌ها از محله‌ی ایده‌آل صورت گرفت. از جمله محدودیت‌های این مطالعه می‌توان زمانبر بودن رویه‌ی اداری و نامه‌نگاری‌های لازم جهت هماهنگی با مدیریت مدارس را مطرح نمود که سرعت پیشبرد پژوهش را در مرحله‌ی گردآوری داده‌ها به‌طور قابل توجهی کاهش داد. علاوه بر این، می‌توان به چالش‌های موجود در شیوه اجرای پژوهش (تعامل با کودکان و جلب همکاری آن‌ها) اشاره نمود.

جمع‌بندی یافته‌های این مطالعه در وهله‌ی اول نمایانگر پایین بودن میزان احساس علاقه‌مندی کودکان نسبت به محله‌ی حصارک بالا بود و از آنجایی که طبق مطالعات پیشین، کیفیت فضاهای بیرونی در میزان تمایل کودکان و نوجوانان به فعالیت فیزیکی و بازی در فضای شهری اهمیت قابل توجهی داشته (Behnamifard & Habibi, 2018, 24) و در صورت عدم تامین کیفیت دلخواه آن‌ها، می‌تواند منجر به جایگزین شدن این فضا، توسط فضاهای دیگر هم‌چون اتاق شخصی کودک و یا فضای مجازی اینترنت شود (Habibi & Behnamifard, 2016b, 99)، توجه به تامین کیفیت فضاهای محلی در این زمینه باید در اولویت توجه قرار گیرد.

یافته‌های پژوهش در وهله‌ی دوم نشان داد که با وجود تاثیرگذاری سن و جنسیت کودکان در ادراک آن‌ها، در مجموع، تصویر و تجسمی که کودکان ساکن در محله‌ی حصاک بالا از یک محله‌ی ایده‌آل دارند، عمدتاً شامل ابنیه و ساختمان‌ها و همین‌طور فضای سبز و درخت‌ها بوده و در نتیجه می‌تواند در قالب سیمای بصری محله توصیف شود. در این خصوص، مطالعات داخلی انجام شده در شهرهای مختلف نیز نشان از اهمیت عناصر مصنوع و طبیعی در تجسم کودکان از فضای ایده‌آل دارند، اما میزان اهمیت این عناصر، بسته به ویژگی‌های ساختاری و جغرافیایی هر شهر متفاوت است. برای مثال در مطالعه‌ی منصورنیا (۱۳۹۴، ۱۳۰) که در یک منطقه کوهستانی و طبیعی (حاشیه‌ی دریاچه زریوار در شهر مریوان) صورت گرفته، عناصر طبیعی (به‌ویژه آب، انسان و کوه) با فاصله قابل توجهی نسبت به عناصر مصنوع (قایق، مبلان و...) در اولویت توجه کودکان قرار داشته‌اند و در مقابل در هیچ یک از نقاشی‌های کودکان اثری از ساختمان‌ها و ابنیه مشاهده نشده است. اما در مطالعه‌ی غیاثوند و سهیلی (۱۳۹۳، ۶۶) که در شهر قزوین صورت گرفته، خانه‌ها اهمیت بیشتری نسبت به پارک (به‌عنوان فضای سبز درون شهری که نمود طبیعت است) داشته‌اند. در مجموع و با وجود این تفاوت‌ها، همچنان منظر طبیعی فضا را می‌توان یکی از مهم‌ترین کیفیت‌های نیازمند تقویت در فضاهای شهری برای حضور و فعالیت کودکان در نظر گرفت. حضور در طبیعت، به‌واسطه‌ی تقویت حس اکتشاف کودکان در فضای باز، به آن‌ها این امکان را می‌دهد که بتوانند به‌صورت غیرساختارمند بازی نموده و با تقویت احساس آزادی، استقلال و قدرت درونی در آن‌ها باعث می‌شود بتوانند هنگام تجربه‌ی حوادث استرس‌زا در آینده از این احساسات بهره‌گیرند (Wells & Lekies, 2006, 1). علاوه بر این، رابطه‌ی کودکان با طبیعت نقش اساسی در رشد آن‌ها داشته و فرصت‌هایی را برای کشف خود و تجربه‌ی طبیعی محیط زیست برایشان فراهم می‌کند (Bird, 2007, 40). در مجموع نتایج پژوهش حاضر نمایانگر ادراک و ایده‌های قوی کودکان در مورد محیط و فضاهای اطراف خود بوده و می‌تواند کاربرد قابل توجهی در برنامه‌ریزی و طراحی محیط‌های دوست‌دار کودک داشته باشد. زیرا از این طریق می‌توان نیازها و انتظارات کودکان را از زبان خودشان شنید و در انگاره‌های طراحی محلات به کار گرفت. این مسئله به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه که تاکنون توجه کمتری به طراحی فضاهای متناسب با نیازهای گروه‌های خاص داشته‌اند، اهمیت و ضرورت بیشتری دارد. در این راستا پیشنهاد می‌شود منظر طبیعی فضاهای موجود در محلات (به‌طور مشخص در قالب پارک‌ها و زمین‌های بازی طبیعی) در وهله‌ی اول از منظر کمی (سطوح و سرانه‌ها) و در وهله‌ی دوم از منظر کیفی (تنوع گونه‌های درخت، گل، بوته و...) تقویت شود. همچنین با توجه به اهمیت قابل توجه ساختمان‌ها و ابنیه، توصیه می‌گردد تا تقویت منظر بصری جداره‌های فضاهای شهری با کمک رنگ، دیوار نگاری و همین‌طور فضای سبز عمودی مورد توجه قرار گیرد.

پی‌نوشت

- 1- Kevin Lynch
- 2- Colin Ward
- 3- Roger Hart
- 4- Growing Up in Cities
- 5- Rudolph Topffer
- 6- Corrado Ricci
- 7- Moore
- 8- Matthews
- 9- Beazley
- 10- Talk Show
- 11- Chi-Square
- 12- Island Fantasy
- 13- House-Tree-Person Test
- 14- Developmental approach

منابع

- احدی، حسن. و بنی‌جمالی، شکوه‌السادات (۱۳۸۲). روانشناسی رشد: مفاهیم بنیادی در روانشناسی کودک. تهران: انتشارات جیحون.
- جباری، رضوان (۱۳۹۵). مناسب‌سازی و طراحی محله‌ی کودک‌مدار، نمونه‌ی موردی: محله‌ی حاجی آباد سمنج. پایان‌نامه‌ی کارشناسی، دانشگاه کردستان.
- دوراندیش لنگرودی، محدثه (۱۳۹۵). چارچوب طراحی شهری محله شهید باقری با رویکرد دوستدار کودک. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه شهید بهشتی.

- رستگار، امیر (۱۳۸۷). راهنمای طراحی شهری دوست‌دار کودک، نمونه موردی: ارتقا بسترهای کیفیت فضایی واحدهای همسایگی تا مدارس برای حضور کودکان ۷ تا ۱۲ سال. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- زیاری، کرامت‌اله و همکاران (۱۳۹۱). اولویت بخشی به ایمن‌سازی بافت فرسوده‌ی کلان‌شهر کرج با استفاده از مدل ارزیابی چندمعیاری. پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، شماره ۷۹، ۱-۱۴.
- غیاثوند، ابوالفضل. و سهیلی، جمال‌الدین (۱۳۹۲). بررسی ویژگی‌های شهر دوست داشتنی از نگاه کودکان، مطالعه‌ی موردی: منطقه دو شهرداری قزوین. مطالعات شهری، شماره ۹، ۵۹-۶۸.
- متینی، مریم. سعیدی رضوانی، نوید. و احمدیان، رضا (۱۳۹۳). معیارهای طراحی محلات مبتنی بر رویکرد شهر دوست‌دار کودک (نمونه موردی: محله فرهنگ مشهد). مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال ۴، شماره ۱۵، ۹۱-۱۱۲.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). گزارش سرشماری محلات استان البرز.
- مظفر، فرهنگ و همکاران (۱۳۸۷). نقش فضاهای باز محله در رشد و خلاقیت کودکان. باغ نظر، سال چهارم، ۷۲-۵۹.
- منصوریان، سوران (۱۳۹۴). شناخت معیارهای فضای شهری گذران اوقات فراغت به منظور تعامل کودکان در محیط نمونه موردی: طراحی کناره‌ی دریاچه‌ی زریبار، شهرستان مریوان. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر.
- مهندسین مشاور نقش پیراوش (۱۳۹۴). طرح انسجام بخشی به کالبد و بافت‌های مسکونی شهر کرج (جلد دوم: شناخت عمومی شهر، با تأکید بر محلات). معاونت معماری و شهرسازی شهرداری کرج.

- Abu Bakar, M. R. (2001). *Children's drawings as research tool: Establishing children's environmental concepts and preferences with reference to urban open space planning and design in Johore Bahru, Malaysia*. Ph.D. Dissertation, The University of Sheffield.
- Al Arasi, H. A. (2013). *Study of children's perception of their local living environment*. Master's Thesis, University of Twente.
- Behnamifard, F., & Habibi, M. (2018). Evaluating the effectiveness of environmental factors on increasing the activity of adolescent girls and boys in urban spaces case study: Azadi Street of Karaj, *Motaleate Shahri*, 7(27): 17-27.
- Belfast Healthy Cite. (2012). *Shaping healthier neighbourhoods for children: A children's charter*. Belfast: University of the West England.
- Bird, W. (2007). Nature's way. *Leisure Management*, 5, 40-42.
- Burkitt, E. (2004). Drawing conclusions from children's art. *The Psychologist*, 17, 566-568.
- CDSS. (2018). *Common Core 3.0: Engagement Knowledge and Skills Reinforcement Lab: Interviewing Children: Trainer Guide (Ver. 3.3)*, California: Common Core Curriculum.
- Chawla, L., & Malone K. (2003). Neighborhood quality in children's eyes. In: Christensen P., & O'Brien, M. (Eds.), *Children in the City: Home, Neighborhood and Community* (pp.118-141), London & New York: Routledge/Falmer.
- Duncan P. A. (2013). *Drawing as a method for accessing young children's perspectives in research*. Ph.D. Dissertation, University of Stirling.
- Work Federal Healthy Homes Group. (2013). *Advancing Healthy Housing: A Strategy for Action*.
- Flannery, K., & Watson, M. (1995). Sex role differences and gender-role differences in children's drawings. *Studies in Art Education*, 36(2), 114-122.
- Golomb, C. (2004). *The child's creation of a pictorial world*. London: Lawrence Erlbaum.
- Habibi, M., & Behnamifard, F. (2016a). Exploring the level of urban spaces' responsiveness to adolescents' needs Case study: Azadi Street in Karaj. *Journal of Architecture and Urban Planning*, 9(17), 139-154.
- Habibi, M., & Behnamifard, F. (2016b). The status of virtual space of internet and urban open space in the leisure pattern of today's adolescents (Case study: Adolescents of Rajaeishahr neighborhood in the city of Karaj). *Urban Studies*, 6(20), 99-130.
- Habibi, M., & Behnamifard, F. (2017). Relationship between level of Karaji adolescent's satisfaction with urban spaces and their leisure time spent in virtual social networks. *Mass Media Scientific Quarterly*, 28(1), 81-102.
- Hayball, F. Z. L. (2018). *Children's perceptions of their outdoor environment in relation to their physical activity behaviours: exploring differences by urbanicity and area level deprivation*. PhD Dissertation, University of Glasgow.
- Horrocks, J. E., & Mussman, M. C. (1973). Developmental trends in wishes, confidence, and the sense of personal control from childhood to middle maturity. *Journal of Psychology*, 84(2d Half), 241-52.



- Iijima, M., Arisaka, O., & Minamoto, F. (2001). Sex differences in children's free drawings: a study on girls with congenital adrenal hyperplasia. *Hormones and Behavior*, 40, 99-104.
- Johnson, V., Hart, R., & Colwell, J. (Eds.) (2014). *Steps to engaging young children in research* (Vol. 1: The guide), Education Research Centre, University of Brighton.
- Jørgensen, G. (2004). Editors' notes: Urban neighbourhoods - A child's eye view. *An Introduction, Nordic Journal of Architectural Research*, 1, 1-5.
- Kitahara, R., & Matsuishi, T. (n.d). *Research on children's drawings*. Retrieved on Feb 15, 2021 from http://www.medicopedagogy.org/childrenpicturesumma%20ryJ_EWP.pdf, No Date (n.d).
- Lehman-Frisch, S., & Authier, J-Y., & Dufaux, J. (2012). "Draw me your neighborhood": A gentrified Paris neighbourhood through its children's eyes. *Children's Geographies*, 10(1), 17-34.
- Literat, I. (2013). "A pencil for your thoughts": Participatory drawing as a visual research method with children and youth. *International Journal of Qualitative Methods*, 12, 84-98.
- Lynch, K. (1977). *Growing up in cities*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Malone, K. (2011). *Designing and dreaming a child friendly neighbourhood for Brooks Reach, Dapto*. University of Western Sydney, Bankstown, NSW, Australia.
- Merriman, B., & Guerin, S. (2006). Using children's drawings as data in child-centred research. *The Irish Journal of Psychology*, 27, 1-2, 48-57.
- Min, B., & Lee, J. (2006). Children's neighborhood place as a psychological and behavioral domain. *Journal of Environmental Psychology*, 26, 51-71.
- Molina, G. et al. (2009). Child-friendly participatory research tools. *Participatory Learning and Action Notes*, 60, 160-66.
- O'Brien, M. et al. (2000). Children's independent spatial mobility in the urban public realm. *Childhood*, 7, 257-277.
- Picard, D., & Boulhais, M. (2011). Sex differences in expressive drawing. *Personality and Individual Differences*, 51(7), 850-855.
- Pratt, M. et al. (2019). What differences do they see? Using mixed methods to capture adolescent perceptions of neighborhood contexts. *American Journal of Community Psychology*, 0, 1-12.
- Shafieiyou, Z., & Zamani, B. (2021). An evaluation of the impact of the urban form objective measures on the neighborhood residents' walkability, Case study: 14th district of Isfahan. *Spatial Planning*, 11(1), 133-150.
- Shaftoe, H. (2008). *Convivial urban spaces: Creating effective public places*. Sterling, VA: Earthscan.
- Silverman, D. (2004). *Interpreting qualitative data: Methods for analysing talk, text and interaction*. London: Sage.
- Thomas, G., & Thompson, G. (2004). *A child's place: why environment matters to children*. London: Green Alliance.
- Tuman, D. (1999). Sing a song of sixpence: an examination of sex differences in the subject preference of children's drawings. *Visual Arts Research*, 25(1), 51-62.
- Vasquez, R. (2000). *Interviewing Children. Excerpts from an article for Court Appointed Special Advocates to help professional evaluators interview children*. CASA National.
- Von Bredow, K. W. (2006). *Gathering Spaces: Designing Places for Adolescents*. Virginia; Virginia Polytechnic Institute and State University, Department of Landscape Architecture.
- Ward, C. (1977). *The child in the city*. London: Architectural Press.
- Wells, N. M., & Lekies, K. S. (2006). Nature and the life course: Pathways from childhood nature experiences to adult environmentalism. *Children, Youth and Environments*, 16(1), 1-25.
- Wilson, J. C., & Powell, M. (2012). *A guide to interviewing children: Essential skills for counsellors, police lawyers and social workers*. London: Routledge.
- Wright, S. (2010). Understanding creativity in early childhood: *Meaning-making and children's drawing*. London: Sage.
- Yücel Caymaz, G. F. et al. (2018). An analysis of primary school-aged children's drawings and their play area preferences. *US-China Education Review B*, 8(5), 221-232, 2018.

Exploring the Perception of Children Living in Old and Distressed Neighborhoods about the Ideal Neighborhood; Case Study: Hesarak-e Bala Neighborhood in Karaj

Faezeh Behnamifard¹, Neda Behnamifard², Behnam Barati Mashhadi³

Abstract

Children are an important group of residents in urban neighborhoods whose feelings and views about their neighborhood and its quantitative and qualitative characteristics have a great impact on their individual and social development. Therefore, considering their demands in designing and organizing urban neighborhoods, especially in old and distressed neighborhoods that do not have good quality, is important and necessary. Therefore, the present cross-sectional study with a mixed method and focusing on the Hesarak-e Bala neighborhood located in the distressed area of Karaj tries to examine and evaluate the views of fourth to sixth-grade children regarding: (1) their level of interest in their neighborhood (collecting data using interview and analyzing with a statistical mechanism) as well as (2) their visual and written perspectives about ideal neighborhood (based on their drawings and its analysis thorough an interpretive mechanism). 134 children participated in the first part, and 28 children participated in the second part. The findings indicated the lack of children's interest about their current neighborhood and the significant relationship between this issue and the gender and age. Moreover, the results showed the importance of various natural and artificial elements in their image and visualization of the ideal neighborhood.

Keywords: Child-friendly neighborhood, Child-centered city, Child psychology, Children's drawings..

1- **Urban Planning and Development Research Group**, Academic Centre for Education, Culture and Research (ACECR), Alborz, Iran, (Corresponding Author). (E-mail: f_behnami@yahoo.com)

2- **Master** of Child and Adolescent Clinical Psychology, Department of Clinical Psychology, University of Rehabilitation Sciences and Social Health, Tehran, Iran. (E-mail: ndabhnmi@gmail.com)

3- **Master** of Child and Adolescent Clinical Psychology, Department of Clinical Psychology, University of Rehabilitation Sciences and Social Health, Tehran, Iran. (E-mail: behnambarati333@gmail.com)